

# کارکرد دادسرا در مرحله تحقیقات مقدماتی در کاهش جمعیت کیفری زندان

فرید ضرغامی<sup>۱</sup>

## چکیده

آمار نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از جمعیت کیفری را افرادی تشکیل می‌دهند که یکی از قرارهای تأمینی در مورد آنان صادر شده است. این مسأله، علاوه بر هزینه‌های سنگینی که بر دولت تحمیل می‌کند، از ضرورت وجود تدابیری برای جلوگیری از سلب آزادی این افراد (با توجه به حاکمیت فرض بی‌گناهی) حکایت می‌کند. وانگهی، کارکرد اصلاحی-تربیتی زندان در اصل بر مجرمان و محکومان متمرکز است و درگیر کردن مدیریت زندان با افرادی که امکان زندان نرفتن آنان وجود دارد مانع اجرای صحیح این کارکرد می‌شود. این مقاله، با توجه به نقش دادسرا در فرایند کیفری، نقش این نهاد را در کاهش جمعیت کیفری زندان در مرحله تحقیقات مقدماتی بررسی کرده و مانع‌ها، محدودیت‌ها و نیز ظرفیت‌ها و راه‌کارهای موجود در راستای اجرای این سیاست را کنکاش می‌کند.

## واژگان کلیدی

دادسرا، متهم، جمعیت کیفری، زندان، قرار تأمین

---

۱. کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، معاون پیش‌گیری از وقوع جرم و عفو و بخشودگی و سجل کیفری دادسرای عمومی و انقلاب یاسوج

## درآمد

موضوعی که در سال‌های اخیر سیاست‌گذاران و کیفرشناسان را به بحث درباره آن کشانده این است که آیا استفاده زیاد از حبس می‌تواند میزان ارتکاب جرم را کاهش دهد یا خیر. برخی به این پرسش پاسخ مثبت داده و چنین استدلال می‌کنند که «در نظام‌های کیفری بسیار خشن و سختگیر فرستادن افراد بیشتر به زندان برای مدتهای طولانی موجب ارباب مجرمین بالقوه و پاک‌سازی جامعه از مجرمین بالفعل می‌گردد» (۷:۵). ولی، هزینه‌های روزافزون حبس و آثار زیان‌بار زندان بر زندانیان و نیز بر خانواده‌ها و بستگان آنان و بحران ناشی از جمعیت کیفری، فشار ناشی از این جمعیت بر منابع، و «کابوس اداری بی‌رحمانه‌ای» که این مجازات ایجاد کرده است سیاست‌گذاران را مجبور ساخته که نقش حبس را دوباره بررسی کرده و راه کارهای جدیدی را کشف کنند (۷:۵). به بیان دقیق‌تر، احساس می‌شود که هدف اصلی یا تفکر مربوط به اقدام‌های اصلاحی-تربیتی هر لحظه در معرض هجوم یا بدتر از آن در معرض تغییرهای نگران‌کننده است (۷:۳۵۶). بنا بر این، برای اینکه مجازات حبس بتواند کارکرد اصلاحی-تربیتی خود را ایفا کند، این مجازات باید بر مجرمانی که راهی جز زندان فرستادن آنان وجود ندارد متمرکز شود.

یکی از راه کارهای مؤثر در این زمینه کاهش زندانیانی است که قرار تأمین در موردشان صادر شده است. جمعیت کیفری یا جمعیت زندان چهار گروه را شامل می‌شود: «۱. متهمان ۲. محکومان به حبس (یعنی زندانیان واقعی یا محکومان به مجازات‌های غیر سالب آزادی که در انتظار اجرای محکومیت خود در حبس نگهداری می‌شوند و ۴. محکومان مالی موضع ماده ۶۹۶ ق.م.ا. و ماده ۲ ق.ن.ا.م.م.» (۸:۱۱۷-۱۱۸).

مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهند که بخش عمده‌ای از زندانیان کشور را زندانیان تحت قرار بازداشت یا ناتوان از معرفی کفیل یا تودیع وثیقه تشکیل می‌دهند. بر اساس آمار منتشرشده از سوی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در خصوص

ورودی زندانیان در ۴ ماهه اول سال ۱۳۸۵، حدود ۷۶ درصد ورودی زندان را افراد تحت قرار تشکیل می‌دهند (۶) که ۴/۴۱ درصد با قرار بازداشت موقت، ۵۱/۹۹ درصد با قرار کفالت، و ۱۹/۷۷ درصد با قرار وثیقه وارد زندان شده‌اند. بر اساس آمار اداره کل زندان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۸۴، ۶۵/۳۵ درصد ورودی‌های زندان را افراد تحت قرار تشکیل داده‌اند. در سال ۱۳۸۵، این آمار به ۶۷/۸۹ درصد رسیده است که عمده آنها از یک تا ده روز در زندان بوده‌اند. (ر.ک.: جداول انتهایی مقاله)

بنا بر این، اگر چه کاهش استفاده از مجازات حبس در دادگاه‌ها می‌تواند در کاهش آمار جمعیت کیفری مؤثر باشد، با توجه به آمار موجود عمده جمعیت کیفری مربوط به دادسراست و در راستای سیاست حبس‌زدایی باید تمرکز بیشتری بر عمل کرد دادسرا صورت گیرد.

موضوع مهم دیگر این است که بازداشت متهمان در دادسرا و زدن برچسب زندانی به آنان می‌تواند در نگرش جامعه نسبت به این افراد مؤثر بوده و زمینه انحراف ثانویه آنان را فراهم کند.

دادسرا با صدور قرارهای تأمین در مرحله تحقیقات مقدماتی در مورد جمعیت کیفری نقش مهمی را ایفا کرده و اقدام‌های دادسرا می‌تواند به افزایش یا کاهش این جمعیت منجر شود.

در این راستا و برای اینکه دادسرا بتواند در نظام حقوقی ایران در جهت کاهش جمعیت کیفری نقش ایفا کند، با مانع‌ها و تنگناها و نیز با ظرفیت‌هایی روبه‌روست.

## الف. مانع‌ها و محدودیت‌های دادسرا برای کاهش جمعیت کیفری

### ۱. روی کرد جامعه به دادسرا

دادسرا نقطه تماس دادگستری با جامعه است و هر گاه جرمی اتفاق می‌افتد، دادسرا عهده‌دار پی‌گرد موضوع می‌شود. تشکیل این نهاد برای حفظ حقوق عمومی بوده و

در جامعه نیز چنین تصور و برداشتی نسبت به دادسرا به چشم می‌خورد. بنا بر این، در زمان وقوع جرم از دادسرا به‌عنوان متولی حقوق عمومی انتظار می‌رود که در وضع پیش‌آمده مداخله کند. به‌علاوه، برخی مصلحت‌های اجتماعی، سیاسی و امنیتی باعث می‌شود که دادسرا در برخورد با جرم‌های ارتكابی متهمان را بازداشت کند. در برخی از بحران‌های اجتماعی، دادسرا باید مدیریت بحران را بر عهده گرفته و با بازداشت‌های گسترده فضای جامعه را آرام کند. بنا بر این، اولین مانع دادسرا کاهش جمعیت کیفری توقع و انتظاری است که جامعه از دادسرا دارد.

## ۲. تکلیف قاضی به صدور قرار تأمین پس از تفهیم اتهام طبق ماده ۱۳۲ ق.آ.د.ا.ک.

طبق ماده ۱۳۲ ق.آ.د.ا.ک، «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی با دیگری قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام به وی یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر را صادر نماید». با توجه ماده ۱۲۹ ق.آ.د.ا.ک، مبنی بر اینکه «برای جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم بازپرس می‌تواند یکی از قرارهای تأمینی ذیل را صادر نماید»، از ماده ۱۳۲ ق.آ.د.ا.ک، چنین برداشت می‌شود که قاضی پس از تفهیم اتهام هر چند دفاع متهم را موجه دانسته و نیازی به حضور او نداند مکلف به صدور قرار است.

اگر چه اداره حقوقی قوه قضائیه در چند نظریه مشورتی سعی در رفع این ابهام کرده و به‌صراحت بیان کرده است که «در صورتی که قاضی پس از تفهیم اتهام تشخیص دهد که اتهامی متوجه شخص متهم نمی‌باشد در آن صورت نیازی به اخذ تأمین نیست»، به علت تأکید دادگاه انتظامی قضات بر صراحت ماده ۱۳۲ و صدور آرای محکومیت به دلیل عدم صدور قرار تأمین پس از تفهیم اتهام، رویه غالب دادسرا صدور قرار تأمین پس از تفهیم اتهام است که در برخی موارد نیز به بازداشت متهمان منجر می‌شود.

### ۳. عدم رعایت مفاد ماده ۱۲۴ ق.آ.د.ا.ک. در خصوص احضار و جلب

مطابق ماده ۱۲۴ ق.آ.د.ا.ک، «قاضی نباید کسی را احضار یا جلب کند. مگر اینکه دلایل کافی برای احضار یا جلب موجود باشد». با توجه به این ماده، باید بین مفهوم «مشتکی عنه» و «متهم» قائل به تفکیک شد و به صرف شکایت شاکی نسبت به احضار مشتکی عنه اقدام نکرد. در برخی از دستورهای قضائی دادسرا مشاهده می‌شود که با طرح شکوائیه دستوری از سوی قضات داده می‌شود مبنی بر اینکه «پرونده به مرجع انتظامی ارسال می‌شود مقتضی است دلایل و مدارک شاکی جمع‌آوری، متهم با قید عدم حضور جلب، احضار در صورت عدم حضور جلب پرونده تکمیلًا به نظر برسد». در چنین دستورهایی، با سپردن تشخیص کفایت دلایل برای احضار به مرجع انتظامی و عدم کنترل نحوه ابلاغ احضاریه و دادن اختیار جلب به ضابطان، ممکن است با صرف شکایت و بدون وجود دلایل کافی متهم در وقت غیراداری جلب و مسأله در وقت اداری به نظر قاضی برسد. در چنین مواردی، برخی قضات برای توجیه تحت نظر بودن متهمان قرار تأمین صادر می‌کنند که به بازداشت آنان منجر می‌شود؛ هر چند ممکن است در نهایت به صدور قرار منع پی‌گرد برای آنان بینجامد. بنا بر این، چنانچه قضات دادسرا در دستورهای اولیه قبل از جمع‌آوری دلایل وفق ماده ۱۲۴ اقدام به احضار متهمان نکنند و وظیفه جمع‌آوری دلیل را بر عهده شاکی بگذارند، به کاهش جمعیت کیفری توسط دادسرا کمک شایانی می‌کنند.

### ۴. محدود بودن قرارهای جانشین بازداشت

طبق ماده ۱۳۲ ق.آ.د.ا.ک، قرارهای جانشین بازداشت در حقوق ایران در چهار بند بدین شرح آورده شده اند: ۱. التزام به حضور با قول شرف؛ ۲. التزام به حضور با تعیین وجه التزام؛ ۳. گرفتن کفیل با وجه کفاله؛ ۴. گرفتن وثیقه (اعم از وجه نقد یا ضمانت‌نامه بانکی یا مال منقول و غیرمنقول).

این ماده در مقایسه با ماده ۱۲۹ ق.آ.د.ک. تغییر چندانی نکرده است. از این‌رو، با

توجه به عدم گستردگی قرارهای تأمین، قضات دادسرا برای پرهیز از بازداشت متهم و حفظ حقوق وی ابزارهای کافی در اختیار ندارند که این موضوع می‌تواند به افزایش جمعیت کیفری منجر شود.

### ۵. بازداشت موقت

«بازداشت موقت قرار تأمینی است که به موجب آن متهم در تمام یا قسمتی از دوران تحقیقات مقدماتی و یا دادرسی باید در بازداشتگاه بماند. این قرار شدیدترین نوع قرارهای تأمینی کیفری است» (۱:۱۷۹). بازداشت موقت با اصل برائت مغایرت دارد و حق‌ها و آزادی‌های متهم را با مخاطره جدی روبه‌رو می‌کند. وانگهی، «برخی نهادهای مفید و کارساز سیاست جنائی نیز ممکن است متعاقب زندانی کردن متهم اثر و کارایی خود را از دست داده و اهداف ناظر بر این‌گونه نهادها را با شکست مواجه سازد» (۴:۱۶۳).

با توجه به انتقادهای وارد به بازداشت موقت، بسیاری از کشورها به سمت حذف بازداشت‌های اجباری گام برداشته و صدور قرار بازداشت متهم را در اختیار قاضی تحقیق قرار داده‌اند با این هدف که مدت بازداشت از مهلتی معقول تجاوز نکند. در نظام حقوقی ایران و با تصویب ق.ا.د.ک. بازداشت موقت اجباری وجود نداشت، ولی این امر به موجب تبصره ۳ ماده ۱۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارایی (مصوب خرداد ۱۳۳۴)، بند ج تبصره اصلاحی ۱۳۴۴/۱/۲۰ الحاقی به ماده ۱۷۳ ق.م.ع.، ق.ت.م. و ماده ۳۵ ق.ا.د.ا.ک. به تدریج پذیرفته شد. «اقدام مقنن ایرانی در توسعه موارد بازداشت موقت اجباری مغایر جریانات و سیاست جنائی موجود در سطح بین‌المللی و حتی دیدگاه‌های شورای نگهبان قانون اساسی است و در این راه قانون‌گذار حتی برخی موارد مندرج در بند ج ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری را که قبلاً موضوع تبصره ماده ۱۳۰ مکرر بود و فقط بازداشت متهم و نه استمرار آن را ضروری تلقی می‌کرد تشدید نموده و محبوس ساختن متهم تا صدور حکم بدوی را

لازم دانسته است» (۱:۱۹۸).

بنا بر این، افزایش موارد بازداشت موقت اجباری را می‌توان در راستای افزایش جمعیت کیفری زندان و مانعی برای کارکرد دادسرا در کاهش جمعیت کیفری ارزیابی کرد.

#### ۶. استفاده قانون‌گذار از عبارتهای مبهم و تفسیرپذیر

در مقررات ناظر به حق‌ها و آزادی‌های افراد، قانون‌گذار باید از تعابیر و الفاظی استفاده کند که امکان تعرض به حق‌های افراد را فراهم نسازد. این مسأله در مقررات مربوط به قرار تأمین که با آزادی افراد ارتباط مستقیم دارد رعایت نشده است. برای مثال، در بند «د» ماده ۳۵ ق.آ.د.ا.ک. مقرر شده که هرگاه آزادی متهم موجب فساد باشد، صدور قرار بازداشت موقت او الزامی است. این بند به دلیل کلی بودن آن قابل توجیه نبوده و می‌تواند موجب نقض حقوق متهمان شود.

در این روش، متهم در اختیار مقام قضائی قرار می‌گیرد تا به صلاح‌دید خود او را بازداشت کند. حتی ممکن است در جرم‌های ساده‌ای مثل ایجاد سد معبر یا اهانت ساده یا فحاشی متهم به بهانه بی‌بیم فساد بازداشت شود (۱:۱۹۸). به علاوه، از نظر جامعه‌شناسی، فساد امری نسبی است و آنچه قومی فساد می‌داند شاید در قوم دیگر عملی مباح باشد. به هر حال، بهتر است قانون‌گذار ابتدا عنوان‌ها را تعریف و معنا و مفهوم آن را به صورت شفاف بیان کرده و سپس آن موارد را در قوانین بیاورد و از به کار بردن مفاهیمی که در تفسیر و معنای آن وحدت نظر وجود ندارد پرهیز کند.

#### ۷. مواردی که متهم به جای کفیل وجه نقد، مال منقول یا غیرمنقول ارائه

می‌کند

بند ۳ ماده ۱۲۹ ق.آ.د.ک. یکی از قرارهای تأمین را گرفتن کفیل دانسته و مقرر کرده بود که اگر متهم درخواست کند که به جای کفیل وجه نقد یا مال منقول یا غیرمنقول ارائه کند، بازپرس مکلف به قبول آن است. با تصویب ق.ت.د.ع.ا. قانون‌گذار به عبارت

«اخذ کفیل با وجه‌الکفاله» تصریح کرده، ولی در خصوص پذیرش وجه نقد، مال منقول یا غیرمنقول ساکت است. همین موضوع موجب بروز تفسیرهای مختلف شده و گاهی دادگاه‌ها با این استدلال که تبدیل قرار کفالت به وثیقه تشدید تأمین محسوب می‌شود وثیقه را نمی‌پذیرند که این امر به بازداشت متهمان منجر می‌شود. اگر چه اداره حقوقی قوه قضائیه در مقام رفع ابهام مقرر داشته که «علاوه بر اینکه پذیرش چنین درخواستی منع قانونی ندارد، مجوزی برای رد این تقاضا و زندانی کردن متهم وجود ندارد و قاضی مکلف به پذیرش آن است»،<sup>۲</sup> حذف این عبارت ابهام‌هایی را در عمل ایجاد کرده است.

خوشبختانه، این موضوع مورد توجه تهیه‌کنندگان پیش‌نویس قانون آیین دادرسی کیفری قرار گرفته است. مطابق ماده ۱۷۵ این پیش‌نویس، «در صورتی که متهم تقاضا کند به جای معرفی کفیل، وثیقه ابداع کند بازپرس مکلف به قبول آن است و هر زمان متهم با معرفی کفیل تقاضای آزادی وثیقه را بنماید، بازپرس مکلف به قبول آن است».

#### ۸. سخت‌گیری قضات در احراز ملائت کفیل

گاهی قضات با توجه به ماده ۳۵ ق.آ.د.ا.ک. مبنی بر اینکه «کفالت شخصی پذیرفته می‌شود که اعتبار او به تشخیص قاضی صادرکننده قرار برای پرداخت وجه‌الکفاله مورد تردید نباشد» در احراز ملائت کفیل سخت‌گیرانه برخورد می‌کنند و این سخت‌گیری به بازداشت افراد منجر می‌شود، در حالی که حاکمیت فرض بی‌گناهی اقتضا می‌کند که آزادی چنین افرادی سلب نشده و از تورم جمعیت کیفری جلوگیری شود.

۲. نظریه ۷/۱۴۲۸ - ۱۳۸۳/۳/۱۲ اداره حقوقی قوه قضائیه.



## ب. ظرفیت‌های موجود در دادسرا برای کاهش جمعیت کیفری

### ۱. روی کرد جدید به دادسرا

همان طور که پیش‌تر اشاره شد، دادسرا نهادی حافظ حقوق عمومی و از نقطه نظر تاریخی نیز نهادی پشتیبان حاکمیت و جامعه بوده است. به همین دلیل، رعایت حقوق و آزادی‌های افراد در دادسرا جایگاه چندانی نداشته است. با فراگیر شدن بحث حمایت از حقوق شهروندی در سطح بین‌المللی، روی کرد جدیدی نسبت به دادسرا ایجاد شده و حمایت از حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع بر عهده دادسرا گذاشته شده است. در سطح داخلی نیز، با تصویب «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی»<sup>۳</sup> بر این موضوع تأکید شده است. از جمله موارد مطرح در این قانون آن است که «کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضائی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هر گونه سلايق شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هر گونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود».

حق‌های دفاعی متهمان، منع دستگیری و بازداشت خودسرانه، منع شکنجه، و پرهیز از تحقیر و آزار و اذیت افراد در جریان بازجویی از موارد دیگری است که در این قانون مورد تأکید قرار گرفته اند. در راستای همین تغییر روی کرد به دادسرا، رئیس محترم قوه قضائیه اظهار داشته اند که «اولین نکته مهم این است که دادستان‌ها و قضات دادسراها و مدعی‌العموم‌ها، بینش و دیدگاه و فرهنگ و باور خود را این چنین کنند که مدعی‌العموم مردم هستند نه مدعی‌العموم حاکمیت و دولت. جایگاه مدعی‌العموم و دادستان را به دو شکل می‌توان فهمید یکی اینکه مدعی‌العموم می‌خواهد مدعی‌العموم حقوق حاکمیت باشد که شاید در ابتدا چنین بود و دوم اینکه دادستان و مدعی‌العموم، مدعی‌العموم عدالت و حقوق است» (۱۰). بنا بر این، با توجه

۳. مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی.

به پدیدار شدن چنین فضایی در مورد دادرسا، قضات دادرسا می‌توانند با تکیه بر فرض بی‌گناهی و حفظ حقوق شهروندی از این ظرفیت برای کاهش جمعیت کیفری زندان استفاده مطلوب کنند.

## ۲. تضمین‌های ناظر به حق‌های دفاعی متهم

«متهمی که وارد فرایند کیفری می‌شود تا زمانی که مسوولیت کیفری و مجرمیت او طی یک دادرسی منصفانه و عادلانه اثبات نشود بی‌گناه فرض می‌شود. فرض یا اصل بر برائت متهم است مگر آن که خلاف آن ثابت شود» (۲۶۹). یکی از آثار این اصل حق دفاع متهم است که عبارت است از مجموعه تضمین‌های قانونی و قضائی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای مظنونان به ارتکاب جرم در سراسر فرایند دادرسی کیفری و با هدف تصمیم‌گیری عادلانه (۳:۱۴۴). این حق‌های دفاعی عبارت اند از:

۱. تکلیف مقام پی‌گرد به جمع‌آوری و ارائه دلیل علیه متهم؛

۲. ممنوعیت اجبار متهم به اثبات بی‌گناهی خود با شهادت و اقرار علیه خود؛

۳. ضرورت دادن فرصت و امکانات لازم به متهم برای دفع اتهام از خود؛

۴. ضرورت تدوین قوانین و مقررات لازم برای تحقق دادرسی عادلانه؛

۵. ضرورت تفسیر شک به نفع متهم.

اصل برائت که در ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون صیانت از حقوق و آزادی‌های اساسی معروف به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و اسناد بین‌المللی دیگر مورد تأکید قرار گرفته، در اصل ۳۸ ق.ا. نیز آورده شده است. این اصل و قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و ماده ۱۲۸ ق.ا.د.ا.ک. در راستای حق‌های دفاعی متهم تدوین شده‌اند. ماده ۱۲۸ به حق متهم مبنی بر داشتن یک وکیل مدافع همراه خود در مرحله تحقیقات اشاره دارد. با توجه به اینکه همه متهمان توانایی دفاع مناسب

از خود را ندارند، حضور وکیل می‌تواند به ارائه این دفاع کمک شایانی کرده و از بروز اشتباه‌های قضائی جلوگیری کند.

هر چند حق حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی با توجه به ماده ۱۲۸ و تبصره آن بسیار محدود شده است، قضات دادسرا می‌توانند با توجه به فرض بی‌گناهی و تفسیر به نفع متهم زمینه حضور بیش‌تر وکیلان را در تحقیقات فراهم کنند. با توجه به اینکه تضمین‌های ناظر به حقوق متهمان می‌تواند در صورت بی‌گناهی آنان در اثبات این بی‌گناهی مؤثر باشد، پیش‌بینی این تضمین‌ها توسط قضات دادسرا می‌تواند زمینه دفاع مناسب را فراهم کرده و از بازداشت شدن متهمان جلوگیری کرده و به کاهش جمعیت کیفری کمک کند.

### ۳. صدور روزانه کیفرخواست و اجرای حکم توسط دادسرا

یکی از مواردی که می‌تواند به کاهش جمعیت کیفری توسط دادسرا منجر شود صدور کیفرخواست روزانه و فرستادن پرونده به دادگاه و اجرای آن در همان روز صدور حکم است. این موضوع در پرونده‌های مربوط به مواد مخدر و مواردی مانند رابطه نامشروع و پرداخت رشوه به مأموران توسط رانندگان به نحو قابل توجهی می‌تواند از سلب آزادی و بازداشت افراد جلوگیری کند؛ این موضوع به‌ویژه زمانی که متهمان غیربومی بوده و نتوانند تأمین مناسبی بدهند ملموس‌تر است.

### ۴. تسریع در تودیع وثیقه در دادسرا

یکی از مشکلات متهمان در مورد قرار وثیقه این است که در محلی خارج از حوزه دادسرای که به اتهام آنها رسیدگی می‌کند وثیقه‌ای برای معرفی و تودیع دارند. در صورت معرفی وثیقه، در فاصله زمانی‌ای که نیابت به حوزه قضائی مورد نظر فرستاده می‌شود تا توقیف وثیقه و صدور قرار قبولی آن فرد باید در بازداشت بماند. رویه معمول دادسراها این است که بعد از اعطای نیابت قضائی و تودیع و توقیف وثیقه، باید نامه بازداشت وثیقه در اداره ثبت به شعبه مربوط برسد تا نسبت به صدور قرار قبولی وثیقه

و آزادی متهم اقدام شود. این در حالی است که می‌توان این نیابت را با نامبر به حوزه قضائی مورد نظر فرستاد و وثیقه‌گذار در حوزه قضائی محل استقرار وثیقه نسبت به تودیع آن اقدام کرده و سپس قرار قبولی وثیقه را صادر کرده و با نامبر به دادرسی محل حضور متهم بفرستد. این روش — که به نظر می‌رسد منع قانونی هم ندارد — می‌تواند از سلب آزادی متهمان جلوگیری کرده و در کاهش جمعیت کیفری زندان مؤثر باشد.

#### ۵. تعویق تحقیق

یکی از راه‌هایی که به کاهش جمعیت کیفری در دادسرا می‌انجامد به تأخیر انداختن بازجویی و تحقیق در شرایطی است که امکان دسترسی به متهم در پرونده وجود دارد و بیم فرار متهم نمی‌رود (برای مثال، وقتی وسیله‌ای از متهم در توقیف باشد یا جرم ارتكابی ساده بوده و فقط جنبه عمومی دارد، یا متهم در دادسرا شناخته شده است). صرف‌نظر از اینکه موضوع از نظر قانونی محل تأمل است، می‌توان تفهیم اتهام را در مهلتی معقول که متهم بتواند تأمین خود را فراهم کند به تأخیر انداخت تا از این رهگذر از بازداشت افراد و افزایش جمعیت کیفری جلوگیری شود.

#### ۶. تفسیر ماده ۳۵ ق.آ.د.ا.ک. به نفع متهم

مطابق این ماده، «در موارد زیر با رعایت قیود ماده ۳۲ این قانون و تبصره‌های آن هرگاه قراین و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید صدور قرار بازداشت موقت الزامی است...». با توجه به مقید شدن صدور قرار بازداشت موقت به رعایت شرایط این ماده، می‌توان استدلال کرد که «قانون‌گذار تشخیص ضرورت بازداشت را به منظور تأمین نظر شورای نگهبان به نظر مقام قضائی واگذار کرده لذا بازداشت موقت اجباری در همه موارد و از جمله در کلیه جرایمی که به موجب قوانین خاص بازداشت اجباری در آنها پیش‌بینی شده است (بنده ماده ۳۵ ق.آ.د.ا.ک.) از نظام تقنینی ما رخت بر بسته است» (۴:۱۷۹). بنا بر این، می‌توان با توجه به فرض بی‌گناهی و تفسیر

به نفع متهم به این استنباط از قانون که با توصیه‌های اسناد بین‌المللی نیز منطبق است  
جامه عمل پوشاند و از این ظرفیت برای کاهش جمعیت کیفری زندان استفاده کرد.

#### ۷. سیاست‌های کلی قوه قضائیه

فضای کنونی حاکم بر قوه قضائیه — به‌ویژه با توجه به دیدگاه‌های رئیس محترم  
قوه قضائیه در مورد کاهش موارد بازداشت و حبس — می‌تواند در کاهش جمعیت  
کیفری مؤثر باشد. دغدغه رئیس محترم قوه قضائیه نسبت به وضع زندان و زندان‌ها  
به گونه‌ای است که نخستین بخش‌نامه‌ای که برای قضات و مسؤولان سازمان‌های  
وابسته صادر کرده اند در مورد زندان و زندانیان بوده است. ایشان از جمله در خصوص  
بازداشت موقت عقیده دارند که «بازداشت موقت دارای پیامدهای زیان‌بار، فسادها  
و رانت‌هایی می‌باشد» (۹:۳). بنا بر این، قضات دادسرا می‌توانند از این ظرفیت به  
بهترین نحو ممکن برای کاهش جمعیت کیفری بهره ببرند.

#### پ. راه کارهای مربوط به قانون‌گذار

##### ۱. افزایش قرارهای جانشین بازداشت

در بررسی محدودیت‌های دادسرا در کاهش جمعیت کیفری به محدود بودن قرارهای  
جانشین بازداشت اشاره شد. برای رفع این مشکل، قانون‌گذار فرانسه — برای مثال —  
نهادی را به‌عنوان «نظارت قضائی» یا «کنترل قضائی» مقرر کرده است که «هدف  
آن| دادن حداکثر آزادی به متهم است که با ضرورت کشف حقیقت با حفظ نظم  
عمومی سازگار باشد. متهم تحت نظارت قضائی زندانی نمی‌شود؛ او فقط در رفت و  
آمدها و در زندگی اجتماعی خود بعضی محدودیت‌ها را تحمل خواهد کرد و بر رعایت  
تکالیفی که به او تحمیل شده است نظارت خواهد شد» (۵:۸۳۱).

ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی فرانسه در این خصوص مقرر می‌دارد که توسل

به کنترل قضائی از سوی قاضی تحقیق یا قاضی آزادی‌ها و بازداشت هنگامی مجاز است که جرم موضوع اتهام دارای مجازات حبس تأدیبی یا مجازاتی شدیدتر باشد. این کنترل متهم را موظف به اجرای یک یا چند تعهد حسب تصمیم قاضی تحقیق می‌کند. این ماده در ۱۶ بند زیر به بیان این تعهدات می‌پردازد (۴:۲۰۶):

۱. عدم خروج از حوزه قضائی تعیین شده از سوی قاضی تحقیق؛
۲. عدم خروج از منزل یا اقامتگاه تعیین شده از سوی قاضی تحقیق مگر با رعایت شرایط و جهات تعیین شده؛
۳. خودداری از تردد به برخی مکان‌ها؛
۴. آگاه کردن قاضی تحقیق از هر گونه جابه‌جایی فراتر از محدوده‌های تعیین شده؛
۵. الزام متهم به معرفی خود در فاصله‌های معین؛
۶. پاسخ‌گویی به احضارنامه‌های هر مقام صلاحیت‌دار، هر انجمن یا هر شخصی که قاضی تحقیق تعیین کرده است؛
۷. تودیع کلیه اسناد اثبات‌کننده هویت؛
۸. خودداری از رانندگی؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۹. خودداری از پذیرش یا ملاقات برخی اشخاص؛
۱۰. انجام آزمایش‌های پزشکی؛
۱۱. تودیع وثیقه؛
۱۲. خودداری از پرداختن به برخی فعالیت‌های شغلی یا اجتماعی؛
۱۳. خودداری از صدور چک؛
۱۴. خودداری از نگهداری و حمل سلاح؛
۱۵. ارائه تضمین‌های شخصی یا واقعی؛
۱۶. اثبات اینکه نسبت به انجام تعهدات اقدام خواهد کرد.

بنا بر این، یکی از راه‌کارهای کاهش جمعیت کیفری تنوع دادن و افزایش شمار قرارهای جانشین بازداشت است.

خوشبختانه این موضوع در پیش‌نویس قانون آیین دادرسی کیفری ایران مورد توجه قرار گرفته است. از جمله، در ماده ۱۷۲ و در بیان قرارهای تأمین در بند ج به گرفتن اسناد هویت یا اشتغال متهم از قبیل شناسنامه، گذرنامه، کارت ملی، پروانه اشتغال و گواهی‌نامه رانندگی اشاره شده است. همچنین، التزام به منع خروج از حوزه قضائی با تعیین وجه التزام به موارد قرارهای تأمین کیفری افزوده شده است. وانگهی، در ماده ۲۰۴ پیش‌نویس آیین دادرسی کیفری قرار نظارت قضائی پیش‌بینی شده که بازپرس می‌تواند برای تحت نظر قرار دادن متهم و تضمین حقوق بزه‌دیده یک یا چند مورد از آنها را صادر کند که شامل موارد زیر است:

۱. ارائه خدمات به بزه‌دیده برای رفع یا کاهش آثار زیان‌بار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه‌دیده و متهم؛
۲. معرفی متناوب خود به مراکز یا نهادهایی که بازپرس تعیین می‌کند؛
۳. منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری؛
۴. ترک هم‌نشینی با افراد خاص؛
۵. اقدام به درمان اختلال‌های روانی- رفتاری؛
۶. منع اشتغال به کارهایی که زمینه ارتکاب جرم را برای متهم فراهم می‌کند؛
۷. منع صدور چک در مورد جرم‌های مرتبط با چک؛
۸. منع نگهداری سلاح دارای مجوز؛
۹. منع خروج از منزل یا محل اقامت تعیین‌شده از رهگذر نظارت با تجهیزات الکترونیکی.

با توجه به اینکه آمار قابل توجهی از ورودی زندان را افراد تحت قرار تشکیل می‌دهند، دادن این اختیارات به قاضی برای صدور قرار تأمین می‌تواند نقش چشم‌گیری

در کاهش جمعیت کیفری داشته باشد.

## ۲. محدود کردن قرار بازداشت موقت

هر چند با توجه به فرض بی‌گناهی اصل بر آزادی متهم است، در صورت ضرورت تحقیق یا اقدام تأمینی در قوانین آیین دادرسی کشورها امکان بازداشت موقت متهم پیش‌بینی شده است. این شرط ضروری به علت تعارض ذاتی آن با فرض آزادی و بی‌گناهی جرم‌شناسان و حقوق‌دانان، دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را واداشته است که با وضع قواعد و مقرراتی مواردی توسل به این حربه را تعریف و محدود کرده و مقام‌های قضائی را وادارند که از آن به‌عنوان «آخرین چاره» و برای «کوتاه‌ترین دوره زمانی ممکن» استفاده کنند. بنا بر این، رویه کشورهای به سمت محدود کردن موارد بازداشت پیش‌رفته و قانون آیین دادرسی کیفری نیز باید در جهت کاهش جمعیت کیفری اصلاح شود. در همین راستا، در ماده ۱۹۳ پیش‌نویس قانون آیین دادرسی کیفری، بازداشت موقت اجباری به جرم‌هایی که مجازات آنها سلب حیات یا حبس دائم است محدود شده و موارد بازداشت موقت اجباری موضوع قوانین خاص ملغاً شده است.

## ۳. گسترش حق‌های دفاعی متهم

همچنان که اشاره شد، تضمین‌های ناظر به حقوق دفاعی متهم می‌توانند برای اثبات بی‌گناهی و کاهش جمعیت کیفری مؤثر باشند. شایسته است این تضمین‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز گنجانده شوند. در این راستا، «حق داشتن وکیل» در ماده ۱۶۲ پیش‌نویس آیین دادرسی کیفری تا حدودی تأمین شده است: «این حق باید توسط بازپرس پیش از تحقیق به متهم ابلاغ و تفهیم شود و وکیل متهم در همان جلسه می‌تواند پرونده را مطالعه و مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به بازپرس اظهار نماید». تبصره همین ماده سلب حق تعیین وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم را موجب



بطلان تحقیقات دانسته است.

این پیش‌نویس محدودیت‌های عدم حضور وکیل در تحقیقات را در ماده ۱۶۳ خود در قالب صدور «قرار عدم دسترسی به پرونده» چنین نهادینه کرده است: «چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را منافی محرمانه بودن تحقیقات تشخیص دهد با ذکر دلایل، قرار عدم دسترسی به پرونده را صادر می‌نماید و این قرار حضوراً به وکیل ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه است.»

یکی دیگر از حق‌های دفاعی متهم «حق سکوت» است که باید در مقررات آیین دادرسی کیفری گنجانده شود. ماده ۱۶۷ پیش‌نویس قانون آیین دادرسی کیفری به این موضوع پرداخته و مقرر کرده که این حق باید توسط بازپرس به متهم تفهیم شود و تخلف از مقررات این ماده را موجب تعقیب انتظامی دانسته است.

۴. اصلاح ماده ۱۳۲ ق.آ.د.ا.ک. درباره الزام قاضی به صدور قرار تأمین

پس از تفهیم اتهام

نحوه نگارش ماده ۱۳۲ در عمل مشکلاتی را ایجاد کرده و این تکلیف باید به اختیار تغییر یابد. در این راستا، ماده ۷۲ پیش‌نویس آیین دادرسی کیفری به اصلاح این موضوع پرداخته و به رویه ق.آ.د.ا.ک. برگشته است.

آمار ورودی به زندان های استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۸۴ و ۸۵ و سه ماهه اول سال ۸۶  
 آمار ورودی به زندان در سال ۸۴ تعداد ۶۶۹۹ نفر و در سال ۸۵ تعداد ۶۶۲۷ نفر بوده است

ورودی بر حسب جنسیت شماری

وضعیت قضایی	سال ۸۴		سال ۸۵	
	تعداد	نسبت به کل	تعداد	نسبت به کل
مقیم	۴۳۷۸	۷۵۳/۳۵	۴۵۰۶	۶۷/۸۹
متکوم	۲۳۶۱	۳۴/۶۴	۲۱۲۱	۳۲/۱۰

ورودی بر حسب نوع قرار

نوع قرار	سال ۸۴		سال ۸۵	
	تعداد	نسبت به کل	تعداد	نسبت به کل
بازداشت موقت	۲۷۴	۷۵/۱۱	۴۲۵	۷۹/۴۳
کفالت	۳۳۴۱	۷۷۴/۰۷	۲۸۹۴	۷۶۴/۷۲
ولایه	۹۱۷	۲۰/۸۲	۱۱۸۷	۲۶۶/۳۴
جمع کل	۴۳۷۸	۱۰۰	۴۵۰۶	۱۰۰

" نسبتاً از تعداد کل زندانیان مقیم آزاد شده در سال ۸۴ تعداد ۴۶۶۷ نفر معادل ۷۵۲/۷۹ از یک تا ده روز در زندان بوده اند. و از تعداد مقیم آزاد شده در سال ۸۵ تعداد ۴۱۴ نفر معادل ۶۲/۹۳ از یک تا ده روز در زندان بوده اند."

آمار ورودی به زندان در سه ماهه آخر سال ۸۵ تعداد ۱۴۹۷ نفر و در سه ماهه اول سال ۸۶ تعداد ۱۲۸۶ نفر بوده است

ورودی بر حسب جنسیت شماری

وضعیت قضایی	سه ماهه آخر سال ۸۵		سه ماهه اول سال ۸۶	
	تعداد	نسبت به کل	تعداد	نسبت به کل
مقیم	۱۰۲۰	۷۶۸/۸۰	۱۳۰۸	۷۷۳/۷۴
متکوم	۴۶۷	۳۴/۲۰	۴۷۸	۲۶۶/۲۶

ورودی بر حسب نوع قرار

نوع قرار	سه ماهه آخر سال ۸۵		سه ماهه اول سال ۸۶	
	تعداد	نسبت به کل	تعداد	نسبت به کل
بازداشت موقت	۱۰۷	۱۰/۳۸	۱۷۹	۱۳/۶۸
کفالت	۶۵۷	۵۳/۷۸	۷۳۹	۵۵/۷۳
ولایه	۲۶۶	۲۵/۸۲	۴۰	۳/۵۸

سال	۸۴	۸۵
روز محرمی	۱۰۵۵	۱۱۱۳

سال	۸۴	۸۵
تعداد	۶۳	۲۷

آزادی مشروط

سال	۸۴	۸۵
تعداد	۹۵	۱۵۴

۱۰۷ کارکرد دادسرا در مرحله تحقیقات ... دیدگاه فریاد ضراغمی

آمار دمدی درودی زندانیان بر استان با توجه فرار و پسماند اول سال ۱۳۸۵

ردیف	استان	درصد بازداشت	درصد کتله	درصد وثیقه	درصد محکوم	درصد وجه التماس	درصد جمع کل
۱	آذربایجان شرقی	۲/۲۶	۱۵/۲۹	۳۶/۶۸	۹/۲۶	۱/۰۱	۱۰۰/۰۰
۲	آذربایجان غربی	۲/۸۴	۵۲/۰۸	۲۷/۰۹	۱۵/۹۵	۱/۰۳	۱۰۰/۰۰
۳	اصفهان	۲/۸۹	۴۸/۲۱	۳۴/۱۳	۱۲/۵۱	۱/۰۶	۱۰۰/۰۰
۴	ایلام	۲/۲۲	۳۴/۶۲	۲۴/۵۹	۱۸/۵۷	۰	۱۰۰/۰۰
۵	یوشهر	۴/۴۱	۵۱/۲۱	۲۶/۸۶	۱۷/۲۵	۱/۰۷	۱۰۰/۰۰
۶	خراسان رضوی	۳/۱۴	۵۰/۹۶	۱۰/۴۱	۳۵/۴۸	۱/۰۲	۱۰۰/۰۰
۷	خوزستان	۲/۹۸	۵۷/۸۹	۲۷/۱۰	۱۲/۰۲	۱/۰۱	۱۰۰/۰۰
۸	چهارمحال و بختیاری	۱/۴۳	۴۰/۹۲	۳۳/۸۶	۲۳/۳۳	۱/۰۵	۱۰۰/۰۰
۹	زنجان	۴/۱۱	۵۴/۲۴	۲۱/۳۴	۲۰/۲۲	۱/۰۹	۱۰۰/۰۰
۱۰	سمنان	۶/۴۷	۵۲/۰۸	۲۵/۴۰	۱۵/۰۵	۰	۱۰۰/۰۰
۱۱	سیستان و بلوچستان	۹/۰۵	۴۸/۸۶	۲۲/۷۲	۱۹/۲۵	۱/۰۲	۱۰۰/۰۰
۱۲	فارس	۵/۰۰	۴۷/۲۰	۲۱/۱۹	۲۶/۵۷	۱/۰۳	۱۰۰/۰۰
۱۳	کردستان	۲/۷۳	۴۲/۳۰	۳۴/۱۱	۲۰/۲۳	۱/۰۳	۱۰۰/۰۰
۱۴	کرمان	۱۵/۴۴	۴۸/۴۶	۳۴/۰۷	۱۲/۰۰	۱/۰۳	۱۰۰/۰۰
۱۵	کرمانشاه	۲/۳۳	۵۷/۱۸	۲۹/۳۹	۱۱/۱۰	۱/۰۱	۱۰۰/۰۰
۱۶	کهگیلویه و بویراحمد	۹/۰۱	۵۸/۴۳	۱۷/۵۴	۱۵/۰۳	۰	۱۰۰/۰۰
۱۷	گیلان	۱/۲۵	۵۹/۷۱	۱۹/۹۹	۱۹/۰۴	۱/۰۱	۱۰۰/۰۰
۱۸	لرستان	۶/۶۴	۶۲/۸۱	۱۷/۱۲	۱۳/۳۱	۱/۰۲	۱۰۰/۰۰
۱۹	مازندران	۳/۳۸	۵۷/۲۹	۲۱/۳۲	۱۷/۹۷	۱/۰۵	۱۰۰/۰۰
۲۰	مرکزی	۳/۱۲	۵۸/۶۴	۲۵/۹۱	۱۲/۳۹	۱/۰۴	۱۰۰/۰۰
۲۱	هرمزگان	۷/۸۸	۴۶/۳۷	۱۷/۸۷	۴۷/۸۸	۱/۰۹	۱۰۰/۰۰
۲۲	همدان	۴/۴۱	۵۵/۵۴	۲۷/۳۹	۱۷/۶۶	۰	۱۰۰/۰۰
۲۳	یزد	۹/۰۳	۳۸/۰۳	۴۱/۱۷	۱۱/۷۱	۱/۰۶	۱۰۰/۰۰
۲۴	اردبیل	۱/۷۸	۵۸/۲۳	۱۶/۴۹	۲۲/۲۷	۱/۰۳	۱۰۰/۰۰
۲۵	قم	۳/۱۸	۵۸/۳۲	۱۸/۲۲	۲۰/۰۸	۱/۰۰	۱۰۰/۰۰
۲۶	قزوین	۲/۰۴	۵۴/۴۱	۳۰/۶۱	۱۲/۹۳	۰	۱۰۰/۰۰
۲۷	گلستان	۵/۳۳	۵۱/۵۰	۳۰/۹۹	۲۲/۱۷	۰	۱۰۰/۰۰
۲۸	خراسان شمالی	۲/۸۷	۵۷/۱۲	۱۸/۲۸	۲۱/۶۹	۱/۰۳	۱۰۰/۰۰
۲۹	خراسان جنوبی	۸/۸۸	۳۸/۷۳	۲۶/۳۷	۲۶/۰۲	۰	۱۰۰/۰۰
	جمع کل	۴/۴۱	۵۱/۹۹	۱۹/۷۷	۲۳/۷۹	۱/۴	٪۱۰۰

## فهرست منابع

۱. آخوندی، محمود؛ قرار بازداشت موقت، در: علوم جنایی؛ انتشارات سمت، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۳.
۲. آشوری، محمد؛ جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین؛ نشر گرایش، ۱۳۸۲.
۳. آشوری، محمد؛ عدالت کیفری؛ چاپ ششم، ج ۲، چاپ اول، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶.
۴. آشوری، محمد؛ آیین دادرسی کیفری؛ ج ۲، چاپ ششم، انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
۵. استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ؛ بولک، برنار؛ آیین دادرسی کیفری؛ مترجم: دادبان، حسن؛ ج ۱، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
۶. زندان‌زدایی: اهداف و واقعیت‌ها؛ ستاد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کاهش مجازات حبس، ۱۳۸۵.
۷. ماتیوس، راجر؛ و فرانسیس، پیتر؛ زندانها در هزاره سوم؛ مترجم: ترجمه اکبری، لیلا؛ جلد اول، انتشارات راه تربیت، ۱۳۸۱.
۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ مجازات‌های جامعه‌مدار؛ در: مجموعه مقالات راه کارهای کاهش جمعیت کیفری زندان؛ چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۸۶.
۹. هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ چرا حبس؟ راه تربیت؛ تهران، چاپ اول، بی‌تا.
۱۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ نقش دادستان در دادرسی عادلانه؛ همایش علمی قضات ایران و اروپا، در: [www.hoqouq.com](http://www.hoqouq.com)